



سخی صمیم

## وکالت

### از دیدگاه قانون

تحریک وانگیزه هائیکه اقدام این نبشته را بر من واجب ساخت: تقاضا و خواسته های تعدادی از هموطنان ما در ارتباط به چگونگی وکالت، مدت دوام، انتها، صلاحیت و بعضی واژه ها و یک سلسله جزئیات دیگری مربوط به آن بوده است. من ازین تماس ها و پرسش ها در یافتن: که تعدادی از هموطنان ما با نام و مفهوم وکالت آشنائی داشته ولی شاید از چگونگی تعیین وکیل، صحت، صلاحیت، انواع و اقسام، قیودات، مسئولیت، چگونگی اجرائات، نهایت و انتهای وکالت و غیره جزئیات ضروری دیگر آن آگهی لازم نداشته باشند. همین اندیشه مکلف ساخت تا توانائی ذهن و قدرت فکری امرا بکار اندازم و در صورت اجازه فرصت بکوشم درین راستا مصدر خدمتی گردم. البته مرجع و مأخذ معلوماتم قوانین کیفری و مدنی میهنم و دیگر منابع ضروری خواهد بود. عذرم قبل از قبل خواسته باشد که بزرگ اندیشان عزیز ناتوانی ام را به دیده اغماض نگریسته و رهنمائیم فرمایند.

**یادداشت ضروری:** این چند سطر نیشته من مطابق عریضه بالا صرف بمنظور معلومات های ضروری بطور اختصار است و جوابگوی تمام و مکمل ساحات وکالت نیست.

لازم است برای فهم و دانستننی های مربوط به وکالت به معانی و مفاهیم بسیار ضروری بسا از واژه های حلقه مربوط به وکالت آشنائی حاصل شود و به تعقیب آن بطور بسیار بسیار مؤجز و مختصر به توضیح مطالب دیگر به طور متناوب و دوامدار آغاز گردد.

به ارتباط آنچه عرض کردم ما به این واژه ها زیاد تر سرو کار داریم: وکالت، وکلاء، وکیل، مؤکل، موکل، وکالت نامه و غیره که در مواقع لازم توضیح میگردد. اما عجالاً:

**وکالت:** وکیلی، وکیل کردن، و وکیلی کردن و یا تفویض و واگذاری کاری به کسی و اعتماد کردن به آن را وکالت گویند.

**وکیل:** به نماینده ویا گماشته کسی اطلاق میشود که به او اعتماد گردیده و اجرا و انجام کاری به او سپرده شده باشد. نمایندگان احزاب و جماعتیکه از طرف مردم برای اجرای امری انتخاب شوند نیز به صفت وکیل شناخته میشود.

**وکلاء:** جمع وکیل ها را وکلاء خوانند.

**مؤکل:** وکیل گیرنده و یا کسیکه برای خویش وکیل تعیین می کند.

**مؤگل:** به ضم م فتح و شد ک: کسیست که کاری به او سپرده شده ویا عهده دار کاری گردیده است.

## وکالت از دیدگاه قانون:

وکالت عقدیست که بموجب آن موکل شخص دیگری را در تصرفات قانون و معلوم قایم مقام خود می سازد. و عقد وکالت زمانی صحت دارد که موکل خود صلاحیت تصرفات قانونی در مورد آنچه وکیل میگیرد داشته باشد. و مزید بر آن وکیل هم کسی باشد که معنی عقد را بفهمد. آنچه زیاد تر قابل اهمیت پنداشته میشود معلوم بودن اشیا و اجناسیست که طرف عقد وکالت قرار داده میشود.

در جریان بحث فوق از عقد وکالت ذکری بمیان آمد. با ذکر نام عقد - لازم آمد تا اندکی از معنی و مفهوم آن با خبر باشیم تا در جریان مطالعه این نیشته به مشکلی بر نخوریم.

**عقد:** در لغت گره زدن، محکم کردن عهد و پیمان - عهد و پیمان را گویند.

**عقود:** جمع عقداست.

**عقد بستن:** از منظر شرع بستن عقد نکاح است. که با جملات چون نکاح کردن، عقد کردن، عقد نکاح کردن و زنی را به ازدواج درآوردن می باشد جملات یاد شده مفهوم فوق را افاده می کند. در تصرفات حقوقی ایکه توافق دو اراده را ایجاد کند و یا موضوعاتی دیگری ازین قبیل عقود در آن ها تعاریف و مفاهیم مختلف دیگری دارد که درین بحث ما گنجایش آن نیست. برمیگردیم بر اصل مطلب.

قانون مدنی در محدوده ی عقد وکالت، شرط صحت عقد را برای مؤکل، داشتن تصرفات قانون در مورد آنچه وکیل میگیرد قید می کند. درین جا قید تصرفات می تواند به مفاهیم ذیل تبارز کند:

مؤکل بایست دارای تصرفات قانونی و اهلیت (صحت عقل و بلوغ و غیره قیودات قانونی) بوده و برای انتخاب وکیل ممانعتی بر وی وجود نداشته باشد.

شرط است که مؤکل - بر اشیا و اجناس معلوم، شخص دیگر را وکیل سازد که خود به آن صلاحیت و تصرفات مالکانه داشته و مالک حقیقی آن محسوب شود. زیرا مؤکل در تصرفات قانونی خود به شخص دیگری تفویض صلاحیت میکند. که درین صورت وکیل میتواند با استفاده از صلاحیت مشخص، مکتسبه خود تغییرات گوناگون در تصرفات و یا انتقال ملکیت ایجاد کند. به گونه مثال فروش، اجاره و حفاظت اموال و اجناس منقول و غیر منقول و غیره... ببینید موضوع مهمی در ارتباط به مؤکل (وکیل گیرنده) تذکار یافت.

ولی متوجه باید بود که همسان با شرایط مؤکل برای وکیل هم رعایت شروط اساسی ذیل ضروری و لازمی است. چون وکیل بمنظور انجام و اجرای کاری از طرف مؤکل گماشته میشود. بایست به اصل و ماهیت کار و چگونگی اجرای آن وارد گردیده و اصل کار معلوم و هویدا باشد. زیرا تأکید قانون بر آن است که وکیل بر آنچه وکالت می کند علم کامل داشته و از نحوه اجرا و انجام وکالت، صلاحیت و تصرفات خود آگاه بوده و از نتیجه و عاقبت کار خویش بیخبر نباشد.

بر مبنای هدایت قانون - قید داشتن علم کامل بر وکالت برای جلوگیری از تخلفات قانونی و رعایت قواعد حقوقی بمنظور احتیاط کامل در راه حفاظت حقوق افراد از اتلاف و خیانت ضروری پنداشته میشود. بر همین بنیاد مؤکل و وکیل (طرفین عقد) بر مسئولیت های قانونی بایست آگاه باشند.

به هر صورت - عدم دقت و عدم رعایت احکام قانون در همه ساحات عقود و معاملات زیان بار بوده و بسا هم میتواند منجر به جرایم و جنایاتی گردد که عواقبش بسی خطر آفرین باشد.

آگاه باشیم! که تخلفات قانونی متذکره در معاملات مدنی و حقوقی - قضایای کیفری و جنائی را ایجاد می کند که در حقیقت گذار معاملات مدنی به قضایای کیفری بوده می تواند.

بلی یک عقد وکالت جعلی و یا وثایق دیگری که در مخالفت از احکام قانون ثبت و راجستر گردد میتواند در جامعه ما عمار و زمین خانه و اپارتمان پول های نقد اموال منقول و غیرمنقول تعدادی از مردم را در حالت غیابت و یا حیات و موات آنها به غارت برده و تحت تصرفات غیر قانونی و بهره برداری حرام قرار دهد و بدین طریق انتقال ملکیت ناشی از جرم و جنایت بمیان آید. این اعمال فرا قانونی ناشی از تخلفات قواعد حقوقی و نادیده گرفتن حقوق مردم و عدم حاکمیت قانون و بالاخره در محور یک اجرائات غیر قانونی و عدم ضوابط عدالت قضائی و اجتماعی بوجود می آید.

## رد وکالت:

قبول کنیم با در نظر داشت آنچه تذکر رفت شخصی با نیت و مرام سوئی جوانب نیدخل و یا عدم فهم و توانائی فکری خویش قربانی عقد وکالت شده و به محتوا و چگونگی وظیفه وکالت اجناس و اشیائیکه به اجرا و انجام کار آن وکیل شده است علم و آگاهی نداشته ولی بعد از اتمام عقد وکالت از آن اطلاع حاصل و وکالت را رد نماید. درینصورت وکالت قانونن رد گردیده پس از آن تصرفات وکیل صحت ندارد.

## انواع وکالت:

چون وکالت قابلیت تجزیه را دارد پس وکیل گرفتن بصورت مطلق مقید معلق به شرط و یا موکول به آینده صحت دارد.

**وکالت مطلق:** وکالت مطلق بر خلاف وکالت مقید مشروط و معلق دارای اختیارات زیادی می باشد که در آن قیودی وضع نگردیده وکیل می تواند مطابق اختیارات مطلق در یافته خویش اجرائات بدارد.

ولی برای وکیل مقید از طرف مؤکل قیودات و شرایط خاصی وضع میگردد که بر بنیاد آن وکیل مقید نمی تواند خلاف این صلاحیت عمل و اجرائات نماید. پس وکیل مقید را با این صفات باید شناخت:

**وکالت مقید:** وکالت مقید آنست که مؤکل وکیل خود را با ایجاد قیودات و یا قید قانونی مکلف به اجرای امر معین و معلومی می سازد که درینصورت وکیل - مقید به همان اجرای امور تعیین شده می باشد و نمی تواند از دایره صلاحیت خویش خارج شود به گونه مثال وکیلیکه تنها به فروش یک حصه از اموال منقول و غیر منقول و یا تنها به کرایه و اجاره دادن آنها وکیل باشد. نمیتواند در مخالفت به صلاحیت خویش تمام جایداد را بفروش برساند. و یا در عوض به کرایه و اجاره دادن معاملات دیگری انجام دهد.

**وکالت معلق به شرط یا موکول به آینده:** وفق مفهوم این عنوان وکیل گرفتن بصورت مشروط یا موکول ممانعتی در عقد وکالت ایجاد نمی کند.

اکنون زمینه را مساعد یافتیم تا بعضی از جزئیات مربوط و کالت را بطور اختصار و بسیار فشرده جهت آگاهی شما خوانندگان عزیز به عرض برسانم:

هر عقدی را که مؤکل بتواند بطور مستقیم انجام دهد انجام آن توسط وکیل با صلاحیت مکاتبه وکالت نیز به طور قانونی جواز دارد.

وکیل نمیتواند مال مؤکل را به منافع شخصی خود استعمال نماید در غیر آن از تاریخ استعمال به جبران مقدار استعمال شده مکلف میگردد.

وکیل مکلفیت دارد تا از اجرائات مربوط به وکالت - مؤکل خود را وقتاً فوقتاً با خبر ساخته و در ختم وکالت به مؤکل صورت حساب ارائه کند.

مؤکل مکلف است مصارف عادی وکیل را در تنفیذ وکالت به وکیل بپردازد.

مؤکل مسئول ضرری می باشد که به وکیل بدون ارتکاب خطا به سبب اجرای عادی وکالت می رسد.

باقی دارد